

هنر و معماری ایران در عصر داریوش بزرگ

مرحله‌ی A (بیستون): صخره‌نگاری [بیستون](#) از جمله آثار باستانی هخامنشی است که تاریخ‌گذاری آن دقیق‌تر از همه انجام شده و بیش از آثار دیگر مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است. یازده تا از پیکره‌های نقش شده در این برجسته‌نگاری با درج عنوان توضیح دهنده در کنار آن‌ها شناسانده شده‌اند: خود داریوش، گئوماته، هشت شاه دروغ‌گو که در طی نخستین سال فرمان‌روایی داریوش شورش کرده بودند، و فرمان‌روای «سکا‌های دارای کلاه‌های تیز»، که داریوش وی را در سومین سال پادشاهی‌اش دستگیر نموده بود؛ این واپسین روی‌داد در بندی که بعداً به سنگ‌نبشته‌های بیستون الحاق و افزوده شده، ثبت گردیده است، بنابراین دیگر روی‌دادها می‌باید زودتر از این تاریخ رخ داده باشند. ترتیبی را که برطبق آن پیکره‌ها، عنوان‌های

توصیفی و سه نگارش سنگ‌نبشته‌ی بیستون (ایلامی، بابلی، پارسی باستان) کنده‌کاری شده‌اند، L. Luschy و H. Trümpelmann روشن ساخته‌اند. W. Nagel استدلال کرده است که دومین پیکره‌ی پایانی، که در عنوان

توضیحی‌اش [Frāda](#) نامیده شده، با توجه به جامه‌ی ایلامی او، می‌باید در اصل برای نشان دادن Attamaita

(شورش‌گر ایلامی) در نظر گرفته شده و به پیکره‌های هشت شاه نخستین، پس از دومین سال فرمان‌روایی داریوش افزوده

شده باشد. با وجود این، در کتیبه‌ی DB 4.2-31 فراده یکی از ۹ مدعی نامشروع پادشاهی است (شماره‌ی ۹ می‌تواند

دارای اهمیتی جادویی باشد)، و صخره‌ای برای کنده‌کاری ریسمان پیوند دهنده‌ی Araka (شورش‌گر بابلی) به فراده به

جای نمانده است. دو پیکره‌ی پشت سر داریوش، که بدون عنوان توضیحی‌اند و دیهیم‌های شاهانه بر سر دارند، گمان می‌رود

که ویشتاسپ و ارشام (پدر و پدربزرگ داریوش) باشند. البته تاج‌های آراسته‌ای را به همین شکل در کاخ tačara، ملازمان

و نگاهبانان بر سر گذاشته‌اند. M.C. Root بر سرشت التقاطی و اقتباسی برجسته‌نگاری بیستون تأکید کرده است: این اثر

حاوی عناصری است که در برجسته‌نگاری‌های آنوبانی در سرپل ذهاب و آشوری و نیز نگاره‌ی سلاح‌بران ایلامی متأخر و

پیکره‌ی ایزدین واقع در قرص بال‌دار اورارتویی شناخته شده‌اند.

نزدیک کاخی در بابل، نسخه‌ای از برجسته‌نگاری بیستون (یا شاید شامل بخشی از آن بوده) در ابعادی کوچک‌تر و با متنی

طولانی در پشت آن (یا شاید شامل بخشی از آن) قرار داشته، که اینک قطعاتی از آن برجای مانده است. (دانشنامه‌ی

ایرانیکا، ج ۲، ص ۵۷۳)

مرحله‌ی B: احتمالاً کار بر روی ایوان تخت جمشید در نخستین سال فرمان‌روایی داریوش آغاز شده بود؛ با وجود این، قدیمی‌ترین یادمان قابل تاریخ‌گذاری این مجموعه، سنگ‌نبشته‌ای بر دیواره‌ی جنوبی ایوان است؛ در نگارش ایلامی این کتیبه (DPg) داریوش تصریح می‌کند که: «این دژ را در جایی که پیش از آن چیزی بنا نشده بود» برپا کرده است؛ در نگارش پارسی باستان آن (DPe)، وی این محل را «خانه» (viθam) می‌خواند. برشماری اقوام تحت فرمان شاهنشاهی پارسی در این نبشته، با آن بیستون مشابه است و به طور قطع به تاریخی پیش از زمان لشکرکشی علیه سکاهای تعلق دارد. نخستین مدخل تخت جمشید احتمالاً در نزدیکی سنگ‌نبشته‌ها واقع بوده است و مدخل دیگر کمی دورتر در جانب شرق، که بعداً هر دو را مسدود کردند. بر سر راه کاخ‌ها، دومین دیواره‌ی ایوان واقع است که با تصویر نگاهبانان مادی منقوش شده است. این نگاره‌ها، که ناتمام‌اند و تا اندازه‌ای نیز بنای «حرم» خشایارشا موجب تخریب آن‌ها گردیده، ظاهراً کهن‌ترین برجسته‌نگاری‌های تخت جمشید هستند.

در حوزه‌ی کاخ‌ها، تچره (tačara)، کاخ داریوش، می‌بایست نخستین بنایی باشد که ساخته شده است. نگاره‌های «شاه پهلوان» بر اتاق‌های خصوصی کاخ، کهن‌نماتر از دیگر نگاره‌ها هستند و با سبک بیستون مرتبط‌اند. تاریخ آغاز ساخت‌وساز در شوش دانسته نیست. کهن‌ترین سنگ‌نبشته‌ی این مجموعه احتمالاً DSm است، که دیرزمانی پس از بنای ایوان، بر آجرها، یعنی دیوارهای کاخ نبشته شده است. همین شیوه، یعنی کاربرد آجرهای لعاب‌دار، در نگاره‌های آراینده‌ی دیوارهای اقامتگاه و آپادانای مجموعه‌ی شوش نیز، که مزین به تصویر ملازمان، گیاهان، شیرها، شیردال‌ها، و شیرهای دارای سر انسان‌اند، به کار برده شده است. در میان این نگاره‌ها، فقط می‌توان اثبات کرد که نگاره‌ی معروف نگاهبانان ایلامی به نخستین مرحله از ساخت‌وسازهای مجموعه‌ی شوش متعلق است: چین‌های عمودی جامه در راستای محور مرکزی پیکره آویخته نشده‌اند، بل که نزدیک به پای چپ، که جلوتر گذاشته شده است، فروهشته شده‌اند. این ویژگی در نگاره‌های بعدی پارسیان نجیب‌زاده دیده نمی‌شود، و تنها یک بار در برجسته‌نگاری‌های کاخ P پاسارگاد، که بر اساس این معیار، باید به همان مرحله متعلق باشد، یافته می‌شود. در شوش، دست کم حیاط غربی کاخ ایلامی‌وار مجموعه، می‌بایست در این زمان تکمیل شده باشد. (دانشنامه‌ی ایرانیکا، ج ۲، ص ۷۴-۵۷۳).